

جلسه یازدهم: هجرت از ولایت طاغوت لازمه ایجاد حرکت فردی و جمعی در جامعه

- اشقیاء کربلا چنان کردند بیرحمانه با امام خود و فرزندان و دخترکان او چون قلبشان سخت شده بود
- آخرین دعوت حسین وقتی بود که تنها مانده بود ، وقتی بود که یارانش همگی شهید شده بودند و دیگر کسی نداشت ، آخرین دعوتش بانگ استغاثة بود و ندا کرد : آیا برای ما یآوری پیدا نمی شود ؟ آیا کسی هست از حرم پیامبر دفاع کند ؟
- **أَلَا نَاصِرٌ يَنْصُرُنَا ؟ أَمَّا مَنْ ذَابَ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ؟**
- این ندا سعد بن حرث انصاری و برادرش ابوالحتوف بن حرث را به هوش آورد ، هنگامی که ندای حسین را شنیدند به هوش آمدند ، با خود گفتند : حسین فرزند پیامبر ماست ، روز رستاخیز دست ما به دامن جدش رسول خداست ، به ناگاه از یزیدیان بیرون شدند و حسینی گردیدند و در زیر سایه حسین که قرار گرفتند پس یکباره بر یزیدیان تاختند و به جنگ پرداختند ، تنی چند را مجروح کرده و عده ای را به دوزخ فرستادند و کوشیدند تا شربت شهادت نوشیدند.
- مبدا پذیرش استنصار در آنها لطافت معنوی بود .
- لطافت یاران حضرت مثل حبیب در جریان شنیدن نگرانی عقیله و تقدم بر بنی هاشم